

# ای بنده در گاه الهی آنچه از خامه محبت الله جاری قرائت...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۱۵۶

ای بنده در گاه الهی آنچه از خامه محبت الله جاری قرائت گردید و از مضامینش معانی دلنشین ادراک گردید امید از موهبت رب مجید چنان است که در کلّ احیان بنفحات رحمن زنده و تر و تازه باشید.

در خصوص مسئله تناسخ مرقوم نموده بودید این اعتقاد تناسخ از عقاید قدیمه اکثر امام و ملل است حتی فلاسفه یونان و حکمای رومان و مصریان قدیم و آثوریان عظیم و لکن در نزد حقّ جمیع این اقوال و اوهام مزخرف.

و برهان اعظم تناسخیان این بود که مقتضای عدل الهی این است که اعطای کلّ ذی حقّ حقه شود حال هر انسان ببلائی مبتلا شود گوئیم که کوتاهی نموده است و لکن طفلی که هنوز در رحم مادر است و نطفه اش تازه انعقاد گردیده است و کور و کر و شل و ناقص الخلقه است آیا چه گگاهی نموده است که بچنین جزائی گرفتار شده است پس این طفل اگر چه بظاهر در رحم مادر خطائی نموده و لکن پیش از این در قالب اولّ جرمی کرده که مستوجب چنین جزائی شده.

ولی این نفوس در این نکته غافل گشته اند که اگر خلقت بر یک منوال بود قدرت محیطه چگونه نمودار میشد و حق چگونه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید میگشت.

باری ذکر رجعت در کتب الهی مذکور و این مقصد رجوع شئون و آثار و کمالات و حقائق انوار است که در هر کور عود مینماید نه مقصد اشخاص و ارواح مخصوصه است.



ORIGINAL



AUDIO

مثلاً گفته میشود که این سراج دیشب عود نموده است و یا آنکه گل پاری امسال باز در گلستان رجوع کرده است در اینمقام مقصود حقیقت شخصیه و عین ثابته و کینونت مخصوصه آن نیست بلکه مراد آن شئون و مراتبی است که در آن سراج و در آن گل موجود بود حال در این سراج و گل مشهود یعنی آن کمالات و فضائل و مواهب ربیع سابق در بهار لاحق عود نموده است مثلاً این ثمر همان ثمر سال گذشته است در اینمقام نظر بلطافت و طراوت و نضارت و حلاوت آن ثمره است و الا البتّه آن حقیقت متعینّه و عین مخصوصه رجوع نموده.

آیا از یکمرتبه وجود در این عرصه شهود اولیای الهی چه نعمتی و راحتی دیدند که متصلاً عود و رجوع و تکرّر خواهند آیا یکمرتبه این مصائب و بلایا و رزایا و صدمات و مشکلات کفایت نمیکند که مکرّر این وجود را در اینعالم خواهند این کأس چندان حلاوتی نداشته که آرزوی تتابع و تکرّر شود.

پس دوستان جمال ابهی ثوابی و اجری جز مقام مشاهده و لقا در ملکوت ابهی نجویند و جز بادیه تمنای وصول برفرف اعلیٰ نجویند نعمت باقیه خواهند و موهبت سرمدیه که مقدّس از ادراک امکانیه است.

چه که چون بصر حدید نظر فرمائی جمیع بشر در اینعالم ترابی معذبند مستریخی نه تا ثواب اعمال حیات مکرّر سابق بیند و خوشحالی نیست که ثمره مشقّات ماضیه چیند و اگر حیات انسانی و وجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود ایجاد چه ثمره داشت بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه میبخشید بلکه موجودات و ممکّات و عالم مکونات کلّ مهمل بود استغفر الله عن هذا التّصوّر و الخطأ العظیم.

همچنانکه ثمرات نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود و چون انتقال باین عالم وسیع نماید فوائد نشو و نما آن عالم واضح و مشهود میگردد بهمچنین ثواب و عقاب و نعیم و بحیم و مکافات و مجازات اعمال و افعال انسان در این نشأه حاضر در نشأه اخرای عالم بعد از این مشهود و معلوم میگردد و همچنانکه اگر نشأه و حیات رحمی محصور در همان عالم رحم بود حیات و وجود عالم رحمی مهمل و نامربوط میگشت بهمچنین اگر حیات این عالم و اعمال و افعال و ثمراتش در عالم دیگر نشود بکلی مهمل و غیر معقول است.

پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار انسانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصوّرش قاصر چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهّر فرمائی نفحات قدس حدائق رحمانیه آن عوالم بمشام رسد.

و الباء علیک و علی کلّ ناظر و متوجّه الی الملکوت الأبهی الذی قدّسه الله عن ادراک الغافلین و ابصار المتکبرین \*